

## مطالعه رابطه هویت جنسیتی و میزان اعتماد در بین جوانان شهر تهران

خدیجه سفیری (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا)

kh.safiri@alzahra.ac.ir

سوسن باستانی (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا)

sbastani@alzahra.ac.ir

فاطمه منصوریان راوندی (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا، نویسنده مسؤول)

fmansoriyan@yahoo.com/

### چکیده

اعتماد از پیش‌شرط‌های اساسی توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. اعتماد، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل و رابطه او با دیگران و جهان را به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌کند، تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند. پژوهش حاضر در پی آن است تا بسترهای مناسب برای ایجاد اعتماد در جامعه را شناسایی کند. یکی از عوامل مؤثر، هویت جنسیتی تشخیص داده شده است. این پژوهش با استفاده از نظریه گیدنز و تاجفل در مورد هویت و اعتماد، به روش پیمایش به بررسی رابطه بین هویت جنسیتی و اعتماد در بین ۳۸۴ نفر از زنان و مردان جوان شهر تهران پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین هویت جنسیتی شخصی، هویت جنسیتی اجتماعی جوانان و اعتماد، رابطه معنادار و مستقیم مشاهده می‌شود. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داده است که سه متغیر (هویت جنسیتی شخصی، هویت جنسیتی اجتماعی و جنسیت) در مجموع، ۰/۴۱۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته اعتماد را تبیین کرده‌اند. نمودار تحلیل مسیر نیز نشان داده است که متغیر هویت جنسیتی شخصی نسبت به دیگر متغیرها دارای تأثیر بیشتری بر اعتماد بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** هویت جنسیتی شخصی، هویت جنسیتی اجتماعی، اعتماد، جوانان.

### ۱. مقدمه و بیان مسأله

هویت جنسیتی را گونه‌ای از درک احساسات جنسی خود که بر اساس نظریه فمینیستی، فرهنگ بیش از بیولوژی، هویت جنسیتی را تعیین می‌کند. بر این اساس، از طریق تعامل اجتماعی شکل گرفته

و از کانال کارگزاران جامعه‌پذیری به افراد منتقل می‌شود و افراد از طریق این هویت، در اکثر موارد به بازتولید ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی می‌پردازند که محیط اجتماعی برای یک دختر و یک پسر تصویب کرده است (لربر، ۲۰۰۰ به نقل از علمی و عزیزاده، ۱۳۸۸).

فردی که هویت او تثبیت شده است، خود را در قبال مسائل اجتماعی مسؤول می‌داند و ضمن حفظ مصالح اجتماعی، نسبت به وظایف خود به‌عنوان عضوی از جامعه مطلع است و با پرهیز از رفتارهای نابهنجار و رعایت حدود و مقررات جامعه در بهبود روابط اجتماعی خود با اعضای جامعه تلاش می‌کند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۶). در واقع، شناختی که فرد از خود به‌عنوان یک زن یا یک مرد دارد، در رابطه با دیگران، نمودهای متفاوت را ایجاب می‌کند و وجود رابطه به منزله اعتماد به دیگران محسوب می‌شود.

اعتماد اجتماعی یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که جوامع امروزی با آن مواجه‌اند. اعتماد اجتماعی، بنیاد شکل‌گیری روابط اجتماعی و توسعه یک جامعه است و کاهش یا افزایش آن می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر ساختارهای مختلف جامعه و روابط اجتماعی مردم آن داشته باشد (وثوقی و حیدری، ۱۳۹۰). از جمله این اثرات می‌توان به ایجاد سازوکاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی، تسهیل مشارکت، تعاون اجتماعی، پرورش ارزش‌های مردم‌سالار، صداقت و صمیمیت اشاره کرد (ابراهیمی لویه، ۱۳۸۵). بر اساس آنچه گفته شد، در شرایطی که با توجه به تحقیقات انجام‌شده (پاتنام، ۱۳۸۴؛ میستال، ۲۰۰۱؛ شارع پور، ۱۳۹۰؛ وثوقی، ۱۳۹۰) شاهد کاهش اعتماد اجتماعی در بین اقشار مختلف جامعه به‌خصوص قشر جوان هستیم. به نظر می‌رسد بررسی هویت جنسیتی که از طریق رابطه متقابل فرد و جامعه شکل می‌گیرد، می‌تواند تا حدی پیش‌بینی‌کننده تغییرات مذکور باشد.

یکی از اساسی‌ترین مسائلی که جوامع امروزی با آن مواجه‌اند، اعتماد است تا حدی که ادامه حیات اجتماعی برای انسان امروزی، بدون اعتماد بسیار دشوار است؛ زیرا که حیات اجتماعی زمانی بقا و تداوم می‌یابد که دست‌کم یکی از پیش‌فرض‌های اساسی آن (اعتماد) برقرار باشد (هزار جریبی و مروتی، ۱۳۹۰: ۲۸). اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی، سازوکاری برای ایجاد انسجام

و وحدت در نظام‌های اجتماعی و تسهیل‌گر مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم-سالار است. از این جهت که افراد یک جامعه را قادر می‌سازد که یک برقراری ارتباط آسان را تجربه کنند و حس تجارب مشترک ایجاد شود. اعتماد، نقش مهمی در زمینه کاهش هزینه‌های اجتماعی دارد. باورها و فرهنگ‌های مختلف مورد پذیرش احترام است. رابطه متقابل فرد را تشویق می‌کند تا تعادل خود را نسبت به منافع جامعه حفظ کند (گازیک، ۲۰۰۲: ۶). روتستین و اوسلانر، اعتماد را یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار نوع‌دوستانه که آن را افزایش می‌دهند، می‌دانند و از طرف دیگر، اعتماد را برای بقای نظم اجتماعی لازم می‌دانند (روتستین و اوسلانر، ۱۹۹۹).

با گسترش جوامع و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، ارتباطات وسیع‌تر و گسترده‌تر شده و افراد جهانی را پیش رو دارند که معنای جدیدی از اعتماد را برای آن‌ها فراهم کرده است. انسان امروز با دهکده جهانی مواجه است، جهانی که به واسطه رشد و پیشرفت به جهانی کوچک تبدیل شده؛ اما در این دهکده وسیع جهانی، افراد با یکدیگر مانند گذشته پیوندهای عمیق و آشنایی‌های دیرینه ندارند (حیدرآبادی، ۱۳۹۰: ۴۱). رواج ارزش‌های گوناگون و قرارگرفتن در معرض اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف، انسان امروزی را در چنان از خودبیگانگی فرو برده که خود را به فراموشی سپرده است. تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی، احساس بی‌قدرتی سیاسی و گرفتارشدن در روند اقتصاد جهانی، شخصیت انسان امروزی را در چنان بی‌ثباتی قرار داده که نمی‌داند «کیست» «چه می‌خواهد» و «به کجا می‌رود». این روند به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نمود بیشتری دارد. این کشورها که تا چندی پیش دارای ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های ویژه خود بوده‌اند، اما با هجوم انواع مظاهر فرهنگی و اجتماعی غرب دچار نوعی تناقض و بی‌هویتی شده‌اند (خدایی و مبارکی، ۱۳۸۸: ۲).

هویت‌بخش مهمی از وجود هر انسانی است و زندگی شخصی و اجتماعی هر فردی تحت تأثیر هویت وی قرار می‌گیرد. چنان‌چه «هویت» را به منزله سازمانی زنده و پویا تلقی کنیم، می‌توان نتیجه گرفت که عناصر و اجزای این سازمان به‌طور منطقی در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل خواهند داشت. از جمله این عناصر، جنسیت است؛ به این معنا که پذیرش جنسیت جوان از جانب خود یا دیگران، نقش بامعنایی در شکل‌گیری هویت مردانه یا زنانه ایفا می‌کند. در این خصوص، اریکسون معتقد است: «مسئله مهم دیگر، نقش جنسی مناسب در بزرگسالی است که برای پیدایش و تکامل احساس

«هویت فردی» و «هویت اجتماعی» لازم است. هنگامی که همانندسازی جنسی سالم در مرد یا زن رخ می‌دهد، شخصیت که مجموعه‌ای از خصوصیات و صفات سالم و همگون کیفیت‌های جنسی است، مشخص می‌شود (شرفی، ۱۳۸۷: ۴۷). از عبارات بالا این گونه می‌توان برداشت کرد که جوانان، بخشی از هویت خویش را در ارتباط با جنسیت ملاحظه می‌کنند

برجسته‌ترین عنصر هویت شخصیتی یا خود، آن بخشی از هویت اجتماعی است که در آن هر کدام از ما به یکی از دو مقوله مرد یا زن منتسب می‌شویم، هرکدام از ما دارای یک هویت جنسیتی هستیم؛ یعنی به خودمان برچسب مذکر یا مؤنث می‌زنیم (بارون و بایمی، ۱۹۹۷: ۱۷۵).

هیل ولینچ<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) معتقدند با شروع دوره جوانی فرآیندهای روند تقویت هویت جنسیتی تشدید می‌شود و انتظارات مربوط به جنسیت افزایش می‌یابد (دیوری، ۲۰۰۹: ۱۱). به نظر اریک اریکسون فرد در دوران نوجوانی و جوانی، ارزش‌ها، باورها، داورها و هنجارهای مورد قبول خانواده و جامعه را زیر سؤال می‌برد و در جستجوی راه‌حل و پاسخ‌های مناسب به کندوکاو می‌پردازد. (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۱). در این مرحله جوانان در پی هویت‌یابی خود هستند؛ بنابراین پایه‌های اولیه هویت در اوان زندگی و به شکلی احساسی و ناخودآگاهانه شکل می‌گیرد؛ لیکن نقطه اوج شکل‌گیری هویت در پایان دوران جوانی است. بر این اساس، از آنجایی که جوانان در نقطه اوج شکل‌گیری هویت خود قرار دارند و با توجه به تعدد منابع هویت‌ساز در عصر جدید، آگاهی و اطلاع از نحوه تعریف و برداشت آن‌ها از هویت جنسیتی خویش، به‌عنوان بالاترین سطح هویت جمعی را در جوامع چندقومی؛ مانند کشور ما و عوامل مرتبط با این بعد از هویت از جمله اعتماد برای هر نوع برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی ضروری است.

در جهت رشد و توسعه جوامع گوناگون و به‌خصوص ایران به‌عنوان کشوری درحال توسعه، هویت و هویت جنسیتی زنان و مردان دستخوش تغییرات گوناگونی شده که همین عامل در اعتماد و روابط صمیمی بین افراد جامعه نیز تأثیراتی را بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر، شهر تهران به‌عنوان کلان‌شهری که در معرض تغییرات حاصل از مدرنیته بوده و هست، در دهه‌های اخیر، دستخوش دگرگونی‌های ارزشی و رفتاری شده است.

1. Hill & Lynch

بررسی اهمیت هویت و دامنه تأثیرگذاری آن بر گرایش‌ها و علاقه‌های جوانان به منظور پذیرش نقش و مسئولیت اجتماعی می‌تواند مانع از گسترش آسیب‌های اجتماعی بیشتر در جامعه شود. پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه هویت جنسیتی و اعتماد و مکانیسم‌های اثرگذار بر این رابطه است.

#### • اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی انواع گوناگونی داشته و هر یک از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران اجتماعی بر اساس معیار و ملاک خاصی به انواع متفاوتی از آن اشاره داشته‌اند. در این جا، با توجه به موضوع مورد مطالعه، به دو نوع از اعتماد توجه می‌شود:

#### • اعتماد بنیادین

اعتماد بنیادین که در ابتدا توسط اریکسون<sup>۱</sup> مطرح شد و بعد گیدنز بحثی مفصل و کامل در مورد آن ارائه کرد. اعتماد بنیادین، تشکیل‌دهنده رابطه‌ای است که جهت‌گیری عاطفی-شناختی به سوی دیگران، به سوی دنیای عینی از آن سرچشمه می‌گیرد، به اعتقاد او اعتماد بنیادی، نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که حاصل تجربیات شخصی در اوایل زندگی است. اعتماد ناشی از ایمان و اعتقاد است. وی دین را عامل مؤثر در ایجاد اعتماد می‌داند و معتقد است که اعتماد، سنگ‌بنای تحقق دین است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۶۴). آنتونی گیدنز معتقد است اعتماد در جوامع ماقبل نوین از اهمیت کمتری در مقایسه با جوامع نوین برخوردار است؛ چرا که افراد هر چه فاصله زمانی-مکانی بیشتری از هم داشته باشند، به اعتماد بیشتری نیاز خواهند داشت. در جوامع ماقبل نوین که خصلتی محلی و بومی دارند و کنش‌های متقابل بیشتر در سطح محلی و رودررو رخ می‌دهند، در روابط اجتماعی افراد چنان صراحت و شفافیتی به چشم می‌خورد که نیازی به اعتماد ندارند؛ زیرا این اعتماد به‌طور طبیعی وجود دارد؛ اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد درگیر این روابط کمتر با یک‌دیگر آشنایی چهره به چهره دارند، به اعتماد از طریق نظام‌های پولی و حقوقی بسیار نیازمند هست (ریتزر، ۱۳۸۶: ۸۲۲). اعتماد بنیادین برای ایجاد ارتباط بین زندگی روزمره و ظواهر عادی فرد اهمیتی اساسی دارد. در موقعیت‌های گوناگون زندگی

روزانه، اعتماد بنیادین همچون وسیله‌ای عمل می‌کند که رویدادها یا موضوع‌های خطرآفرین را از صحنه می‌راند. آنچه دیگران به ظاهر انجام می‌دهند و هر کسی که به ظاهر هستند، بر اثر اعتماد بنیادین مورد پذیرش ما قرار می‌گیرد و ما چنان رفتار می‌کنیم که گویی دیگران درواقع، همان کاری را انجام می‌دهند که به ظاهر می‌بینیم و واقعاً همان کسی هستند که نشان می‌دهند (همان: ۱۸۱). اعتماد بنیادین یکی از عناصر لازم برای حفظ و تقویت احساس معناداربودن فعالیت‌های شخصی و اجتماعی است (همان: ۲۸۲).

#### • اعتماد بین شخصی

اعتماد بین شخصی در روابط مستقیم و چهره‌به‌چهره بین اشخاص یافت می‌شود. همزیستی مستقیم بین تعامل‌کنندگان از ویژگی‌هایی است که اعتماد بین شخصی را از دیگر شکل‌های اعتماد جدا می‌کند. اعتماد بین شخصی را می‌توان در تعامل و ارتباط میان همسایه‌ها، دوستان، همکاران و دیگر موارد مشابه مشاهده کرد (غفاری، ۱۳۸۳). زتومکا معتقد است حضور هم‌زمان کنشگران در یک مکان، ویژگی منحصربه‌فردی را پدید می‌آورد که اعتماد بین شخصی را از دیگر شکل‌های اعتماد متمایز می‌کند (زتومکا، ۱۳۸۶). چلبی در بررسی مسائل نظم اجتماعی دو نوع رابطه را تشخیص می‌دهد: رابطه ابزاری و رابطه اظهاری. او معتقد است که در تعامل با وجه صرفاً ابزاری، دیگری و تعامل، برای کنشگر جنبه کاملاً ابزاری دارد. سنخ عالی چنین تعاملی، نوعی مبادله سرد است. در رابطه اظهاری نوعی صمیمیت، اعتماد و تعهد وجود دارد. در رابطه اظهاری، کنشگران (فردی و جمعی) درگیر در رابطه، رفاه حال یک‌دیگر را در نظر می‌گیرند، در این رابطه نفع فردی تا حدودی از طریق پاداش جانشین<sup>۱</sup>، تأمین می‌شود. پاداش جانشین به‌عنوان یک پاداش روانی و ذهنی ارتباط مستقیم با میزان دوستی و معاشرت‌پذیری طرفین درگیر در رابطه دارد (وایدگرن، ۱۹۸۳، به نقل از چلبی، ۱۳۷۵: ۲۵۰). این نوع رابطه، صمیمیت، تعهد، اعتماد تولید می‌کند. روابط اظهاری خاستگاه اصلی اخلاق، تعهد و احساس تکلیف اجتماعی هستند که این به نوبه خود نقش نظم‌دهندگی روابط اظهاری را نشان می‌دهد (همان: ۲۵۱). به نظر نیوتن، اعتماد بقای روابط اجتماعی پایدار و صلح‌آمیز را که بنیاد رفتار جمعی و همکاری مفید است، ممکن می‌کند. گرچه اعتماد متضمن مخاطره است؛ اما تبدیل

1. Vicarious reward

وضع طبیعی هابزی که بسی نامطلوب است به وضعیتی مطلوب‌تر، کارآمدتر و صلح‌آمیزتر را ممکن می‌سازد (نیوتن، ۲۰۰۴: ۲۰۲).

#### • هویت جنسیتی

رندل و جاسی (۲۰۰۸) معتقدند افراد دو نوع هویت جنسیتی دارند: هویت جنسیتی اجتماعی (شناسایی دیگرانی از همان جنس در گروه) و هویت جنسیتی شخصی (اهمیت به خصوصیات شخصی جنس به‌عنوان بخشی از مفهوم خود). آن‌ها این دو نوع را مطابق با نظر تاجفل و ترنر (۱۹۸۶)، تمایز بین مفهوم فردی خود (هویت شخصی) و گروه‌های عضو به‌عنوان بخشی از مفهوم خود (هویت اجتماعی) و همچنین برور و گاردنر (۱۹۹۶)، هویت را به‌عنوان تعریف خود، به‌عنوان یک فرد (هویت شخصی) و درمقابل، تعریف خود به‌عنوان عضو یک گروه (هویت اجتماعی) طبقه‌بندی می‌کنند. هویت جنسیتی اجتماعی مستلزم حضور افراد دیگر (که تصور می‌شود بخشی از مفهوم خود) است، درحالی‌که هویت جنسیتی شخصی اشاره دارد به بخشی از مفهوم خود که به حضور افراد دیگر بستگی ندارد؛ به‌عنوان مثال، فردی با هویت جنسیتی اجتماعی قوی نگران آن است که کار هم‌گروهی‌هایش خوب باشد، درحالی‌که یک فرد با هویت جنسیتی شخصی قوی به دنبال فعالیت‌هایی است که منعکس‌کننده اهمیت شخصی جنس است؛ مانند خواندن کتاب‌هایی در مورد مسائل جنسیتی (رندل و جاسی، ۲۰۰۸: ۴۷۲). بر این اساس، در پژوهش حاضر جهت بررسی هویت جنسیتی شخصی از تئوری گیدنز و از تئوری تاجفل برای هویت جنسیتی اجتماعی استفاده شده است.

#### • هویت شخصی

آنتونی گیدنز از جمله جامعه‌شناسانی است که ساختار اجتماعی در جریان کنش متقابل توجه می‌کند (ریترز، ۱۳۸۶)، از نظر او هویت عبارت است از خود شخص آن طوری که شخص از خودش تعریف می‌کند.

به نظر گیدنز، هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۸۲). درحقیقت، هویت شخصی همان تفسیر و تعبیری است که از خود داریم، همچنین محافظ و امنیت‌بخشی است که فرد با وجود عناصر تهدیدآمیزی که «خود» وی را

مورد تهدید قرار می‌دهد، حفظ می‌کند. این همان پروژه «تأمل نفس» است که در حال تولید یکپارچه روایت‌های زندگی است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۱). یکی دیگر از عواملی که گیدنز در رابطه با هویت شخصی از آن صحبت می‌کند، رابطه ناب است. رابطه ناب فقط به خاطر آن‌چه نفس رابطه برای هر دو طرف به ارمغان می‌آورد، مورد علاقه و جست‌وجو است و دقیقاً به همین مفهوم است که رابطه مورد نظر را «ناب» می‌نامیم. بی‌گمان همه ارتباطهای شخصی، به هر نوع و مدتی که باشند، درعین‌حال، هم آزمون‌گونه و تنش‌زا هستند و هم رضایت‌بخش و نشاط‌آفرین؛ اما در ارتباطهایی که صرفاً به خاطر نفس ارتباط، برقرار می‌شوند، هر اشتباهی که طرفین ماجرا مرتکب می‌شوند، بنیان رابطه را به خطر می‌افکند، در نتیجه، پهلوی‌پهلوی هم رفتن و نشستن و برخاستن در این گونه رابطه‌ها بسی دشوارتر از ارتباطهای اجتماعی متکی به معیارهای برونی است. هر گاه یکی از طرفین سعی کند در این راه گام نهد، تعلق خاطر دیگری به احتمال زیاد آسیب خواهد دید (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

#### • هویت اجتماعی

برای تعریف هویت جنسیتی اجتماعی از نظریه هویت اجتماعی تاجفل استفاده شده است. در تئوری هویت اجتماعی تاجفل و ترنر یک شخص تنها یک «خود شخصی» ندارد؛ بلکه دارای چندین خود است که با چرخه‌های عضویت گروهی همخوانی دارد. زمینه‌های متفاوت اجتماعی ممکن است یا شخص را به فکر کردن، احساس کردن و عمل کردن بر مبنای «رده خود» شخصی، خانوادگی یا جنسیتی‌اش برانگیزاند (ترنر، ۱۹۸۲). طبق تعریف این محققان، هویت اجتماعی برداشت افراد از خود است که از عضویت ادراک‌شده در گروه‌های اجتماعی ناشی می‌شود. نخستین بعد هویت اجتماعی فراهم آورنده آگاهی بر حدودی از اشتراک در باورها و ویژگی‌های مشترک است تا خود را در «ما» بشناسیم. هویت‌یابی با این «ما» است که امکان می‌دهد هویت خاص روانی و جمعی خود را تا حدی دریابیم. گارین و تاون سند، احساس سرنوشت مشترک را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی هویت جنسی معرفی می‌کنند.

درواقع، زنان و مردان با آگاهی از باورهای مشترکشان است که می‌توانند خود را در «ما» زنان یا مردان بشناسند. این مجموعه روی هم، هم‌فکری (نمادها و داده‌های مشترک)، هم‌بختی (نفع و اقبال مشترک) و هم‌پیشینگی (پیشینه مشترک) را به هر گروه اجتماعی اعطا می‌کند که برای حفظ «ما»



ضرورت دارد. دومین بعد هویت اجتماعی، گرایش مثبت، علاقه و جذب به درون گروه است که به-درستی آن را اساس هویت نیز دانسته‌اند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۹). تعهد گروهی با تعلق خاطر قدری متفاوت است و عبارت است از میزانی که اعضای گروه احساس می‌کنند با گروه پیوندهای قوی دارند (دوران، ۱۳۸۲: ۸۱). منظور از وجه ارزشی و احساسی هویت در تعریف تاجفل نیز همین علاقه و جذب به درون گروه است که با نوعی احساس تعهد (رابطه‌ای) همراه است و سومین بعد هویت اجتماعی را تشکیل می‌دهد. چنان‌که اشاره شد، سومین بعد هویت اجتماعی آمادگی برای عمل در یک زمینه رقابتی (اگر نه خصمانه) بین گروهی (طبیعتاً به نفع گروه) است و این مهم افزون بر احساس تعلق، نیازمند احساس تعهد است؛ زیرا تعهد، نوعی احساس وظیفه به دیگران (به‌ویژه دیگران مهم) و وفاداری به ارزش‌ها، اهداف، انتظارات، و ظرفیت‌های آن‌ها است و منشأ این تعهد (تعهد رابطه‌ای)، چیزی نیست مگر علاقه، وابستگی و دلبستگی عاطفی (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۰). او استدلال می‌کند که افراد خود و دیگران را در دو گروه جداگانه طبقه‌بندی می‌کنند: ۱. درون (تمام افرادی که مشابه با موضوع طبقه‌بندی شده هستند). ۲. خارج از گروه یا بیرون گروه (تمام افراد درگیر). به نظر او، درک افراد در جایگاه عضو درون گروه باعث می‌شود آن‌ها به درگیر شدن در رفتارهای مورد نیاز برای حفظ روابط با اعضای دیگر برانگیخته شوند که بخش مهمی از حفظ این رابطه با گروه، مشارکت فعال در کنش‌های روزمره است (چو و سو، ۲۰۰۶، به نقل خدایی و مبارکی، ۱۳۸۸: ۱۰).

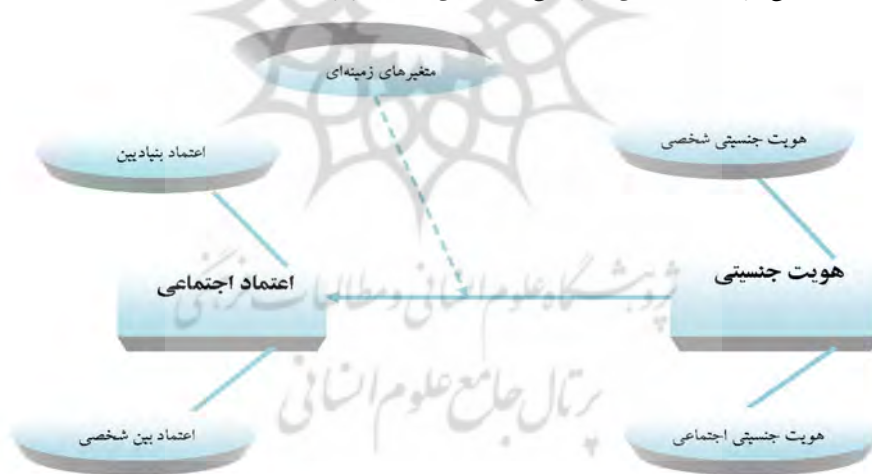
## ۲. چارچوب نظری پژوهش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به نظر گیدنز، هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. هیچ کس دارای هویت ثابتی نیست. هویت، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۶). گیدنز معتقد است تجربه اعتماد بنیادی هسته امیدواری و منشأ «شهامت‌بودن» و سازنده و محافظ خود است. برای رویارویی یا واقعیت‌های روزانه و رویدادهای گوناگون زندگی، تجربه اعتماد بنیادی، نوعی امنیت وجودی و خوش‌بینی به دیگران پدید می‌آورد که به فرد امکان می‌دهد تا در رویارویی با رویدادهای ناگوار زندگی اجتماعی، امیدواری و شهامت خود را حفظ و مقاومت کند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۶۳). هرگاه افراد نتوانند خلاقانه زندگی کنند، دچار افسردگی

و نابسامانی روانی و اجتماعی می‌شوند. به نظر گیدنز، چنان‌چه فرد «خودش» یا روایت زندگینامه‌اش را شایسته نداند و یا نتواند بر حسب انتظاراتی که در «خودش» گنجانده، عمل کند، دچار احساس تقصیر اجتماعی یا شرمساری می‌شود. شرمساری جدی ممکن است اعتماد و انسجام کل دنیای بیرونی را تهدید کند و موجب اضطراب فردی شود و هویت شخصی فرد را در معرض فروپاشی قرار دهد. فرد دیگر نمی‌تواند به پرسش‌هایی؛ مانند من کیستم و به کجا تعلق دارم، پاسخ‌هایی در خور اعتماد بدهد. درمقابل، چنان‌چه شخص به جامعیت «خود» و ارزش روایتی که از هویت خویش ارایه داده اطمینان قاطع داشته باشد، از غرور برخوردار می‌شود و می‌تواند هویت شخصی خود را حفظ و از آن حمایت کند. این حالت در اثر کسب امنیت وجودی و یکپارچگی میان «خود» و ارتباطهای «خود» با دیگران تحقق می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۰۲). فردی که هویت او تثبیت شده است، خود را در قبال مسائل اجتماعی مسئول می‌داند و ضمن حفظ مصالح اجتماعی، نسبت به وظایف خود به‌عنوان عضوی از جامعه مطلع است و در بهبود روابط اجتماعی خود با اعضای جامعه تلاش می‌کند. (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۶). اعتماد به موجودیت لنگرگاه‌گونه واقعیت، در معنای عاطفی و تا حدی در معنای معرفتی آن، ریشه در وثوق و اطمینان به اشخاص صالح و معتبر دارد که معمولاً از نخستین تجربیات کودک حاصل می‌شود، تشکیل‌دهنده رابطه‌ای است که جهت‌گیری عاطفی - شناختی به سوی دیگران، به سوی دنیای عینی و به سوی هویت شخصی، از آن سرچشمه می‌گیرد.

اعتماد بنیادین، در همان حال که تحت تأثیر توجهات محبت‌آمیز نخستین مراقبان و سرپرستان کودک شکل می‌گیرد، رفته‌رفته هویت شخصی را به طرز سرنوشت‌ساز به مهربانی‌ها و خوشامد‌های دیگران وابسته می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۶۳). تاجفل و ترنر (۱۹۷۸) در بررسی هویت اجتماعی و احساس تعلق به گروه به این نتیجه رسیدند که حس این‌که ما که هستیم تنها با تقویت تعلق به گروه خاص مشخص می‌شود (به‌عنوان مثال: یک مسلمان، دانشگاهی، ایرانی)، اعضای متفاوت با گروه ما از گروه‌های دیگر هستند (به‌عنوان مثال: مسیحی، مدیران، انگلستانی). تمایز «ما» در مقابل «آنها» نه تنها به درک خودمان کمک می‌کند؛ بلکه بر خودارزیابی‌ها و برداشت ما از ارزش‌ها مؤثر است. به‌طور خاص، برتری گروهی نسبت به گروه‌های دیگر در حوزه‌های مربوط (از طریق

مقایسه میان گروهی مثبت) منجر به افزایش اعتماد می‌شود، همچنین نتایج پژوهش تایلر (۱۹۹۷) حاکی از آن است که احساسات مثبت نسبت به گروه خود و تعامل مطلوب در درون آن، حس کارایی و اعتماد به نفس را به افراد می‌دهد. هر دو این ویژگی‌ها به اعتماد اجتماعی و جهت‌گیری مثبت نسبت به جامعه بزرگ‌تر کمک می‌کنند. این یکی از دلایل مهمی است که نشان می‌دهد هویت گروهی به‌طور معمول، باعث افزایش اعتماد می‌شود و بیشتر اعضای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و انتزاعی عامل مهمی در پیشرفت جامعه است و لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی ایجادکننده تعاون و همیاری بوده و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت‌ها، قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شود، همچنین ترنر (۲۰۰۳) معتقد است که احساس تعلق اجتماعی، منجر به گسترش اعتماد میان افراد و در نتیجه گسترش دامنه روابط اجتماعی می‌شود. فرد می‌تواند در شرایط نامطلوب، به کمک افرادی که به آن‌ها اعتماد دارد، با شرایط نامطلوب مقابله کند و همین امر باعث می‌شود فشار روانی و اجتماعی برآمده از چنین شرایطی را کاهش دهد (ترنر، ۲۰۰۳: ۱۰).



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

### ۳. فرضیه‌های پژوهش

- بین هویت جنسیتی و میزان اعتماد زنان و مردان جوان شهر تهران رابطه وجود دارد.

• به نظر می‌رسد بین هویت جنسیتی شخصی زنان و مردان و میزان اعتماد آن‌ها رابطه وجود دارد.

• به نظر می‌رسد بین هویت جنسیتی اجتماعی زنان و مردان و میزان اعتماد رابطه وجود دارد.

• بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و غیره) و اعتماد جوانان رابطه وجود دارد.

#### ۴. روش تحقیق

روش تحقیق، پیمایش است، ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه است که بر اساس طیف لیکرت تنظیم شده است. جامعه آماری، زنان و مردان جوان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران هستند که مطابق آمار رسمی سرشماری عمومی نفوس مسکن ۱۳۸۹، ۲۳۷۱۳۴۲ نفر هستند (سالنامه آماری شهر تهران، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۴).

#### ۴.۱. حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

هنگامی که نسبت حجم نمونه به حجم جامعه بیشتر از پنج درصد باشد، برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران<sup>۱</sup> برای جامعه آماری مورد نظر استفاده می‌شود؛ بنابراین در جامعه آماری این تحقیق، (ضریب اطمینان ۹۵ درصد؛ یعنی  $t=1/96$ )، (احتمال وجود صفت معین در نمونه  $P=0/5$ )، (دقت احتمالی مطلوب یا نصف فاصله اطمینان  $d=0/05$ ) است، لذا محاسبه تعیین حجم نمونه برای جامعه آماری زنان و مردان شهر تهران با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر است (رفیع پور، ۱۳۸۴: ۳۸۳). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = 384$$

1. Cochran

در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای<sup>۱</sup> استفاده شده است. از آنجایی که نمونه انتخابی این تحقیق، شهر تهران ۳۸۴ است، این رقم کمتر از تعداد بلوک‌های انتخاب شده در شهر تهران است، لذا محقق مجبور است برای جلوگیری از پراکندگی زیاد نمونه‌ها در تمام نقاط شهر و تجمع آنان در چند نقطه مشخص، به منظور ایجاد امکان جمع‌بندی منطقه‌ای، مناطق ۲۲ گانه تهران را در سه منطقه کاهش دهد. بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا مناطق ۲۲- گانه شهرداری تهران به ۳ خوشه تقسیم شدند. مناطق ۱ تا ۵ در گروه ۱، مناطق ۶ تا ۱۴ در گروه ۲ و مناطق ۱۵ تا ۲۲ در گروه ۳ طبقه‌بندی شد، سپس از هر خوشه یک منطقه به تصادف انتخاب شد. در خوشه اول منطقه‌ای قرار گرفت که از نظر پایگاه اقتصادی- اجتماعی در مرتبه بالاتر قرار دارد. در این گزینش، علاوه بر شاخص اقتصادی، به موقعیت جغرافیایی مناطق و پراکندگی مناسب آن‌ها در شهر تهران نیز توجه شده است. در مرحله بعد برای انتخاب سه منطقه، منطقه‌ای که از نظر ویژگی‌های پایگاه اقتصادی- اجتماعی (بالا، متوسط، پایین) برخوردار باشد، انتخاب شد. به طوری که منطقه ۳ به نمایندگی از طبقه بالا، منطقه ۱۱ به نمایندگی از طبقات متوسط و منطقه ۱۶ به نمایندگی از مناطق پایین، انتخاب شدند.

پس از این که حجم نمونه در هر منطقه مشخص شد، نقشه مناطق تهیه شده و تمام بلوک‌های موجود در نقشه شماره‌گذاری شد و به کمک روش نمونه‌گیری تصادفی، تعدادی از بلوک‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند، سپس هر یک از مناطق مورد بررسی، محله‌ها و خیابان‌های اصلی و فرعی و کوچه‌ها به صورت تصادفی انتخاب شده و کار تکمیل پرسش‌نامه صورت گرفت.

اعتماد، متغیر وابسته تحقیق است و هویت جنسیتی زنان و مردان جوان، متغیر مستقل این تحقیق است. سن، جنس، وضعیت تأهل، قومیت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی، متغیرهای زمینه‌ای این تحقیق را تشکیل می‌دهند.

---

## 1. cluster Sampling

جدول ۱- تعریف عملیاتی متغیر وابسته، مستقل و واسط

مؤلفه	ابعاد	مفهوم
روایت خود	هویت جنسیتی شخصی	هویت جنسیتی (متغیر مستقل)
روابط ناب	هویت جنسیتی اجتماعی	
آگاهی به باورهای مشترک		
علاقه به درون گروه (وابستگی عاطفی)		
درک زمینه رقابت بین گروهی (تعهد)		
-	اعتماد بنیادین	اعتماد (متغیر واسط)
صراحت	اعتماد بین شخصی	
سهیم کردن		
حسن ظن		

اعتبار ابزارها که به وسیله اعتبار صوری، توسط چند تن از اساتید جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است و پایایی آنها نیز به وسیله آلفای کرونباخ تعیین گشته است، بیانگر روایی مناسب شاخص‌های پژوهش است.

جدول ۲- میزان آلفای کرونباخ متغیر مستقل وابسته

متغیر	آلفای کرونباخ	متغیر	آلفای کرونباخ
اعتماد بنیادین	۰/۷۹۰	هویت جنسیتی شخصی	۰/۶۳۳
اعتماد بین شخصی	۰/۸۳۹	هویت جنسیتی اجتماعی	۰/۶۰۳
اعتماد	۰/۸۸۹	هویت جنسیتی	۰/۶۸۷

#### ۴. ۲. ویژگی‌های فردی و خانوادگی پاسخگویان

در این پژوهش، اکثریت پاسخگویان؛ یعنی ۵۳/۱ درصد را زنان و ۴۶/۹ درصد آنها را نیز مردان تشکیل می‌دهند. در خصوص وضعیت سنی پاسخگویان، بیشترین درصد پاسخگویان؛ یعنی ۶۳/۷

درصد از آن‌ها در ۲۹-۲۵ سال، کم‌ترین تعداد پاسخگویان؛ یعنی ۱۱/۲ درصد نیز در سنین ۱۹-۱۸ سال و ۴۳ درصد نیز بین ۲۴-۲۰ سال هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۳ سال است. ۷۱/۶ درصد از پاسخگویان را افراد مجرد تشکیل داده‌اند، ۲۶/۸ درصد از پاسخگویان را متأهلین و ۰/۵ درصد را افراد مطلقه تشکیل داده‌اند. در خصوص پایگاه اقتصادی-اجتماعی که شامل تحصیلات فرد و پدر مادر او، شغل فرد و پدر و مادر او، درآمد و منطقه محل سکونت می‌شود، بر این اساس، ۴/۹ درصد از پاسخگویان دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، ۶۴/۱ درصد پایگاه متوسط و ۳۱ درصد نیز از پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند.

##### ۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، با توجه به موضوع مورد بحث (هویت جنسیتی) سعی شده تحلیل‌های آماری به تفکیک جنسیت آورده شود تا بیانگر تفاوت‌های دو جنس در دو متغیر مستقل (هویت جنسیتی) و وابسته (سلامت اجتماعی) باشد.

جدول ۳- توصیف، ابعاد و مفهوم هویت جنسیتی (متغیر مستقل) به تفکیک جنسیت

متغیر	جنسیت	کم‌ترین میزان	بیشترین میزان	میانگین	انحراف معیار
بعد هویت جنسیتی شخصی	زن	۰۰	۱۰۰,۰۰	۴۳,۱۱۲۷	۹,۱۱۲۱
	مرد	۱۱,۶۷	۵۷,۵۰	۴۱,۷۳	۶,۶۷۲
بعد هویت جنسیتی اجتماعی	زن	۱۳,۳۳	۱۰۰,۰۰	۶۹,۹۶۷	۱,۵۵۷
	مرد	۰۰	۹۷,۳۳	۶۳,۹۷	۱,۷۲
هویت جنسیتی	زن	۲۰,۸۳	۱۰۰,۰۰	۷۴,۳۹	۱,۳۱۹
	مرد	۰۰	۹۷,۹۲	۶۹,۱۵	۱,۴۵۶

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، مقایسه میان زنان و مردان با توجه به دامنه تغییرات نشان می‌دهد که هویت جنسیتی شخصی و اجتماعی در میان زنان بالاتر از مردان بوده است. زنان به نسبت مردان تعلق خاطر بیشتری به جنسیت خود داشته‌اند. بررسی ابعاد دوگانه هویت جنسیتی نشان از آن

دارد که پاسخگویان در بعد هویت جنسیتی شخصی در حد متوسط و در بعد هویت جنسیتی اجتماعی حاکی از آن است که زنان و مردان جوان بالاتر از حد متوسط هستند.

#### جدول ۴- توصیف ابعاد و مفهوم اعتماد (متغیر واسط)

متغیر	جنسیت	کم‌ترین میزان	بیشترین میزان	میانگین	انحراف استاندارد
بعد اعتماد بنیادین	زن	۱۹,۳۵	۱۰۰,۰۰	۶۰,۳۵	۱,۶۰۱
	مرد	۰۰	۸۷,۱۰	۵۳,۲۳	۱,۴۲۵
بعد اعتماد بین شخصی	زن	۴۵,۷۶	۱۰۰,۰۰	۷۰,۱۵	۸,۷۶
	مرد	۰۰	۹۳,۲۲	۶۷,۵۲	۱۳,۲۲
اعتماد	زن	۵۴,۰۰	۱۰۰,۰۰	۷۷,۵۲	۸,۴۰
	مرد	۰۰	۹۵,۰۰	۷۲,۷۳	۱۳,۷۷

جدول فوق نشان‌دهنده آن است که زنان در ابعاد اعتماد بنیادین و بین شخصی، میانگین بالاتری را نسبت به مردان داشته‌اند. اعتماد بین شخصی به نسبت اعتماد بنیادین در پاسخگویان میزان بالاتری را داشته است؛ همچنین زنان و مردان جوان در بعد اعتماد بنیادین و اعتماد بین شخصی در حد بالاتر از متوسط قرار دارند.

#### یافته‌های تحلیلی آزمون فرضیات

#### جدول ۵- رابطه بین نوع جنس افراد و میزان اعتماد آنها

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	درجه آزادی	سطح معنی داری
مرد	۱۸۰	۷۲,۷۳	۱۳,۷۷	۴/۱۶۳	۳۸۲	۰/۰۰۰
زن	۲۰۴	۷۷,۵۲	۸/۴۰۵			

بر اساس نتایج جدول (۵)، میانگین نمره اعتماد برای مردان ۷۲/۷۳ و برای زنان ۷۷/۵۲ است. مقدار T به دست آمده (۴/۱۶۳) و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ است و بیانگر آن است که میانگین اعتماد در میان زنان و مردان تفاوت معناداری با یکدیگر دارد، زنان دارای میانگین اعتماد بالاتری نسبت به مردان هستند؛ بنابراین زنان بیشتر به دیگران اعتماد دارند و نگرشی نسبت به خود و دنیای اطراف دارند که بر رفتار و اعمالشان اثر می‌گذارد و این فکر را در آن‌ها تقویت می‌کند که افراد و امور جهان قابل اعتمادند.



جدول ۶- رابطه سن و اعتماد

میزان اعتماد	همبستگی پیرسون	مفهوم
۰/۰۳۲	ضریب پیرسون	سن (زنان)
۰/۶۵۱	معنی داری	
-۰/۰۷۱	ضریب پیرسون	سن (مردان)
۰/۳۴۱	معنی داری	

یکی دیگر از فرضیه‌های پژوهش عبارت است از ای که بین سن زنان و مردان و میزان اعتماد آنها رابطه وجود دارد. با توجه به سطح معنی داری (Sig: ۰/۶۵۱)، می‌توان گفت بین سن زنان و میزان اعتماد رابطه وجود ندارد، همچنین در خصوص رابطه سن مردان و میزان اعتماد آنها، می‌توان گفت که بین آنها رابطه وجود ندارد.

جدول ۷- بررسی تفاوت بین وضعیت تأهل زنان و مردان و اعتماد آنها

جنسیت	مجموع مربعات (Sum of Squares)	درجه آزادی (Df)	میانگین مربعات (Mean Square)	کمیت F	سطح معنی داری (Sig)
بین گروه‌ها	۳۳۴.۳۹۱	۲	۱۶۷.۱۹۵	۲/۳۹۹	۰/۰۹۳
زن	۱۴۰۰۸.۴۸۷	۲۰۱	۶۹.۶۹۴		
مجموع	۱۴۳۴۲.۸۷۷	۲۰۳			
مرد	۹۳.۹۷۰	۳	۳۱.۳۲۳	۰/۱۶۳	۰/۹۲۱
درون گروه‌ها	۳۳۸۴۶.۷۵۸	۱۷۶	۱۹۲.۳۱۱		
مجموع	۳۳۹۴۰.۷۲۸	۱۷۹			

به نظر می‌رسد اعتماد زنان و مردان بر حسب وضعیت تأهل آنها متفاوت است. به این منظور بررسی فرضیه‌ای که در این جهت تنظیم شد، از آزمون آنوا استفاده می‌شود. با توجه به جدول آنوا مشخص می‌شود که میزان اعتماد بر حسب تأهل زنان و مردان متفاوت نیست و فرض صفر پذیرفته

می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که تفاوتی در میزان اعتماد زنان و مردان مجرد و متأهل و مطلقه وجود ندارد.

جدول ۸- رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و اعتماد

مفهوم	همبستگی پیرسون	اعتماد
پایگاه اقتصادی- اجتماعی (زنان)	ضریب پیرسون	۰/۰۲۰
	معنی داری	۰/۷۸۱
پایگاه اقتصادی- اجتماعی (مردان)	ضریب پیرسون	-۰/۰۳۹
	معنی داری	۰/۶۰۳

با توجه به سطح معنی داری که بالاتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان و مردان و اعتماد، رابطه معنادار وجود ندارد؛ بنابراین باید گفت که پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان و مردان تأثیری در افزایش اعتماد با دیگران ندارد.

جدول ۹- بررسی رابطه ابعاد هویت جنسیتی و اعتماد

متغیر	جنسیت	سطح معنی داری	میزان همبستگی
هویت جنسیتی شخصی	زن	۰/۳۲۷	۰/۰۰۰
	مرد	۰/۶۹۷	۰/۰۰۰
هویت جنسیتی اجتماعی	زن	۰/۳۲۸	۰/۰۰۰
	مرد	۰/۴۷۹	۰/۰۰۰
هویت جنسیتی	زن	۰/۴۰۷	۰/۰۰۰
	مرد	۰/۶۸۷	۰/۰۰۰

مهم‌ترین نکاتی که می‌توان از جدول (۹) استنباط کرد، عبارت‌اند از:  
 ✓ بین متغیرهای هویت جنسیتی شخصی و اجتماعی زنان و مردان و اعتماد، رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد.

✓ شدت همبستگی در بین متغیرها حاکی از آن است که هویت جنسیتی زنان همبستگی ضعیف و مردان همبستگی متوسط و قوی با اعتماد دارند.

✓ همبستگی فوق به این معناست که هر چه میزان هویت در بین جوانان بالاتر باشد، اعتماد آنها به دیگران نیز بیشتر می‌شود. این شدت برای زنان ضعیف و برای مردان قوی است.

✓ ضریب همبستگی پیرسون حاکی از آن است که در سطح ۰/۰۱ می‌توان گفت که زنان و مردانی که تعلق به جنسیتشان بالاتر بوده، اعتمادشان به دیگران بیشتر است.

### تحلیل رگرسیونی

به منظور بررسی میزان تأثیر هر یک از ابعاد هویت جنسیتی بر اعتماد از تحلیل رگرسیون ایتر استفاده شده است و دو بعد هویت جنسیتی شخصی و هویت جنسیتی اجتماعی بر اعتماد اثرگذار بوده‌اند.

#### جدول ۱۰- تحلیل رگرسیون چندمتغیره میزان اعتماد به روش Enter

ضریب همبستگی چندگانه (Multiple R)	ضریب تبیین (R Square)	ضریب تبیین تعدیل شده
۰/۶۴۰	۰/۴۱۰	۰/۳۹۹

بنابراین از روی متغیرهای مستقل واقع در مدل می‌توان تا حدود ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته اعتماد را پیش‌بینی کرد.

#### جدول ۱۱- تحلیل واریانس رگرسیون چندمتغیره در شکل‌گیری اعتماد

منبع تغییرات	مجموع مربعات (Sum of Squares)	درجه آزادی Df	میانگین مربعات Mean Square	کمیت F	سطح معنی‌داری Sig
اثر رگرسیون	۲۰۳۵۳/۵۲۷	۷	۲۹۰۷/۶۴۷	۳۵/۸۴۷	۰/۰۰۰
باقی‌مانده	۲۹۲۸۱/۹۸۵	۳۶۱	۸۱/۱۱۴		
مجموع	۴۹۶۳۵/۵۱۲	۳۶۸			

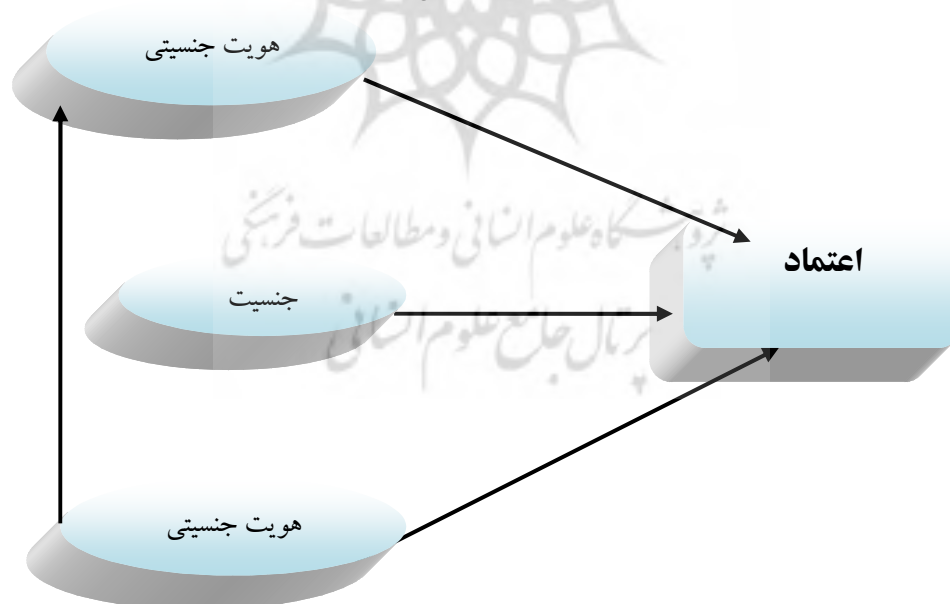
مقدار F برابر ۳۵/۸۴۷ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. معناداری آن بیانگر آن است که حداقل یکی از متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته است و متغیرهای مستقل، ترکیب خطی مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند. از آنجایی که با توجه به تفاوت واحدهای هر متغیر که به تبع آن واحدهای ضرایب رگرسیون جزئی را نیز تغییر می‌دهد، معادله رگرسیون چندمتغیری با استفاده از متغیرهای استاندارد شده به صورت زیر بیان می‌شود. در این

صورت می‌توانیم اثر هر متغیر را متوجه شده و مقایسه کنیم، از طریق جدول زیر می‌توان سطح معنی-داری را برای هر متغیر مورد بررسی قرار داد.

جدول ۱۲- نتایج ضریب رگرسیون جزئی هر متغیر مستقل در پیش‌بینی متغیر اعتماد

معنی داری Sig	مقدار T	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	متغیرها	
		Beta	Std.Error		B
۰/۰۰۰	۴/۳۰۸		۷/۶۲۱	۳۲/۶۱۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۰/۸۷۲	۰/۵۲۳	۰/۰۵۳	۰/۵۷۹	هویت جنسیتی شخصی
۰/۰۰۲	۳/۰۹۹	۰/۱۴۹	۰/۰۴۵	۰/۱۳۸	هویت جنسیتی اجتماعی
۰/۰۰۶	۲/۸۳۸	۰/۱۱۷	۰/۹۹۳	۲/۸۱۷	جنسیت

نتایج جدول (۱۲) حاکی از آن است که هویت جنسیتی شخصی، درک و تفسیری که زنان و مردان از خودشان به‌عنوان یک زن یا مرد، بیشترین تأثیر مستقیم را بر اعتماد آن‌ها به دیگران داشته است (۰/۵۲۳). هویت جنسیتی اجتماعی متغیر مهم دیگری است که بر اعتماد آن‌ها اثرگذار بوده است (۰/۱۴۹). جنسیت نیز به‌عنوان متغیر زمینه‌ای اثرگذار بر اعتماد در مدل رگرسیونی با بتای (۰/۱۱۷) وارد شده است.



شکل ۲- مسیر متغیرها همراه با ضرایب‌های مسیر آن‌ها

جدول ۱۳- تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (اعتماد)

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیرات کل
هویت جنسیتی شخصی	۰/۵۲۳	-	۰/۵۲۳
هویت جنسیتی اجتماعی	۰/۱۴۹	۰/۲۷۲	۰/۴۲۱
جنسیت	۰/۱۱۷	-	۰/۱۱۷

با توجه به مجموعه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر روی متغیر اعتماد، این متغیرها مقداری از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند و مقداری از واریانس متغیر وابسته را نتوانسته‌اند تبیین کنند؛ بنابراین متغیرهای مستقل هویت جنسیتی شخصی، هویت جنسیتی اجتماعی و جنسیت تقریباً ۴۱ درصد از واریانس متغیر وابسته اعتماد را تبیین می‌کنند.

#### ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اعتماد از مفاهیم کلیدی در حوزه جامعه‌شناسی و یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. اعتماد از میزان اطمینان یا مطمئن‌بودن به اشخاص، افراد، الگوها، ساختارها و نقش‌های اجتماعی برمی‌آید. اعتماد و معتمدبودن اغلب به‌عنوان نوعی گزینش اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند که چرخ‌های تبادلات اجتماعی و اقتصادی را روغن‌کاری می‌کند و در صورت عدم وجود آن، این تبادلات بسیار هزینه‌بر، بروکراتیک و زمان‌بر خواهند شد. ارل و تکوویچ (۱۹۹۵) معتقدند وقتی علی-رغم عدم قطعیت‌ها و ریسک‌ها ناچار به عمل در موقعیت‌ها هستیم، جهت‌گیری سوم اهمیت پیدا می‌کند که عبارت است از اعتماد. اعتمادکردن نوعی استراتژی مهم در مواجهه با شرایط نامعین و کنترل‌ناپذیر آینده است. اعتماد همچنین عبارت است از نوعی طرح آسان‌سازی<sup>۱</sup> که افراد را قادر به انطباق با محیط پیچیده اجتماعی و استفاده از امکانات روزافزون آن می‌کند (زتومکا، ۱۳۸۴: ۲۹).

یکی از بسترهایی که زمینه‌ساز شکل‌گیری و تقویت اعتماد است، هویت جنسیتی است. هویت و شناخت خود که هسته اصلی جامعه محسوب می‌شود، موجب می‌شود که کنشگران با گسترش پیوندهای تعاملاتی خود، کنش‌های خود را در ساختار جامعه تسهیل کنند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. این پژوهش در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران صورت گرفته است و

یافته‌های توصیفی نشان از آن دارد که میانگین هویت جنسیتی زنان بالاتر از مردان است؛ چه در بعد هویت جنسیتی شخصی و چه در بعد هویت جنسیتی اجتماعی. شاید بتوان دلیل این امر را تحولات فرهنگی، دگرگونی‌های عرصه اقتصاد و مشارکت زنان در درآمدزایی و ازدیاد فرصت‌های آموزشی همراه با آن دانست که موجب تعدد گروه‌ها و گسترش روابط اجتماعی و تعلقات گروهی زنان شده و افزایش تعلق به جنسیت را در پی داشته است. زنان با توجه به دامنه نمرات در اعتماد اجتماعی میانگین بالاتری نسبت به مردان داشته‌اند. درحقیقت، تلاش زنان برای یافتن نقش اجتماعی و برخورداری کامل از حقوق اجتماعی خویش، حضور بیشتر آن‌ها در مسائل اجتماعی، فعالیت گسترده در سازمان‌های مدنی، عواملی هستند که به افزایش اعتماد آن‌ها به دیگران کمک می‌کند. در تحقیق حاضر، روابط معنادار بین جنسیت و اعتماد مشاهده شده؛ اما بین وضعیت تأهل، سن، پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان و مردان جوان و اعتماد، رابطه معنادار مشاهده نشده است.

✓ بین هویت جنسیتی شخصی زنان و مردان با اعتماد، رابطه معنادار وجود دارد. شدت همبستگی بین متغیر فوق و اعتماد در بین زنان ضعیف و در بین مردان قوی است. به لحاظ نظری تأیید فرضیه فوق همسو با نظریه گیدنز در این خصوص است.

گیدنز معتقد است تجربه اعتماد بنیادی محافظ خود است. امنیت وجودی و خوش‌بینی به دیگران در مواجهه با واقعیت‌های روزانه توسط تجربه اعتماد بنیادین پدید می‌آید. بر اساس آرای گیدنز هویت هر فرد، در توانایی و ظرفیت او برای حفظ و ادامه روایت مشخصی از زندگینامه‌اش است که به حفظ روابط متقابل و منظم با دیگران که در واقع همان اعتمادکردن و اطمینان‌داشتن به سایر افراد است، علاقه‌مند است. زندگی‌نامه‌ای که بر واقعیت استوار است.

✓ بین هویت جنسیتی اجتماعی زنان و مردان و اعتماد آن‌ها رابطه معنی‌دار و مستقیم برقرار بود. شدت همبستگی بین دو متغیر در بین زنان و مردان ضعیف برآورد شده است.

در این زمینه ترنر (۲۰۰۳) معتقد است که احساس تعلق اجتماعی، منجر به گسترش اعتماد میان افراد و در نتیجه، گسترش دامنه روابط اجتماعی می‌شود.

همچنین مؤید نظریه تاجفل است که معتقد است به‌طور خاص، برتری گروهی نسبت به گروه‌های دیگر در حوزه‌های مربوط (از طریق مقایسه میان گروهی مثبت)، منجر به افزایش اعتماد

می‌شود؛ بنابراین شکل‌گیری هویت جنسیتی اجتماعی، آگاهی و علاقه و تعهد را در جوانان تقویت می‌کند و روابط بین گروهی را در سطح جامعه در پی خواهد داشت که به نوبه خود باعث افزایش رفتار اعتمادآمیز و تقویت اعتماد در اجتماع خواهد شد.

✓ در بین متغیرهای مستقل تئوریک و زمینه‌ای، متغیرهای هویت جنسیتی شخصی (۰/۵۲۳)، هویت جنسیتی اجتماعی (۰/۱۴۹) و جنسیت (۰/۱۱۷) در مجموع، ۰/۴۱۰ تغییرات و واریانس اعتماد را تبیین می‌کنند. از دستاوردهای تئوریک این تحقیق این است که به تأیید مجدد نظریاتی که در جمعیت مورد بررسی، پشتوانه تئوریک تحقیق بوده‌اند، منجر شده است. از مهم‌ترین نتایج نظری این مطالعه می‌توان به تأیید مفاهیم و فرضیه‌های نظری برگرفته از نظریه‌های گیدنز، تاجفل، ترنر درباره اعتماد اجتماعی در جمعیت مورد مطالعه اشاره کرد.

#### پیشنهادها

❖ هویت جنسیتی شخصی و اجتماعی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر اعتماد شناسایی شدند، بر این اساس باید مشارکت زنان و مردان جوان را در انجمن‌های اجتماعی و فرهنگی و گروه‌های دوستی بالا برد؛ چرا که به نظر می‌رسد عوامل ذکور در تقویت هویت و بالابردن اعتماد اجتماعی مؤثرند.

❖ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از لحاظ جنسیت، اعتماد در بعد بنیادین و بین شخصی پسران کمتر از دختران است و برای حل این مسأله نیاز به تغییرات اساسی در سیستم فرهنگی جامعه و پذیرش تساوی حقوقی از لحاظ دستیابی به فرصت‌ها در جامعه در بین زنان و مردان است.

❖ در مجموع، پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش اساسی هویت جنسیتی به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های اجتماعی اعتماد، شرایطی مناسب برای درک بهتر جوانان به‌خصوص مردان و گسترش مفهوم هویت جنسیتی در بین آن‌ها به منظور تقویت میزان اعتماد آن‌ها فراهم شود.

#### کتاب‌نامه

۱. ابراهیمی لویه، عادل. (۱۳۸۵). «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر گرمسار». بیک نور. سال هفتم. شماره سوم. صص ۸۴-۶۵.
۲. احمدی، حبیب؛ هاشمی، سمیه؛ روحانی، علی. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه وسایل ارتباطی نوین با هویت جنسیتی جوانان شهر شیراز». فصل‌نامه علمی پژوهشی زن و جامعه. سال اول. شماره چهارم. صص ۶۰-۳۳.

۳. پیشگاهی فرد، زهرا؛ قدسی، امیر. (۱۳۸۹). «نظریه‌های فرهنگی فمینیسم و دلالت‌های آن بر جامعه ایران». *زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*. دوره ۱. شماره ۳. بهار ۱۳۸۹. صص ۱۰۹-۱۳۲.
۴. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
۵. حیدرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر آن، مطالعه موردی: جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران». *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*. سال اول. پیش شماره اول. صص ۳۹-۶۶.
۶. خدایی، ابراهیم؛ مبارکی، ابراهیم. (۱۳۸۹). «سرمایه اجتماعی و هویت: رابطه متقابل». *دانش‌نامه علوم اجتماعی*. دوره ۱. شماره ۲. صص ۱-۳۱.
۷. دوران، بهزاد؛ محسنی، منوچهر. (۱۳۸۲). «هویت اجتماعی؛ رویکردها و نظریه‌ها». *فصل‌نامه علوم تربیتی و روان‌شناسی*. ویژه‌نامه هویت. دانشگاه فردوسی مشهد. ج ۴. شماره اول. صص ۹۰-۳۹.
۸. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۴). *کندوکاوها و پنداشته‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. ریتزر، جورج. (۱۳۸۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
۱۰. زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۴). *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناسی*. ترجمه فاطمه گلایی. تبریز: نشر مترجم.
۱۱. شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *جوان و بحران هویت*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سروش.
۱۲. علمی، محمود؛ علیزاده، حمیده. (۱۳۸۸). «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه آزاد». *فصل‌نامه زن و مطالعات خانواده*. سال اول. شماره سوم. صص ۷۵-۹۰.
۱۳. غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). *اعتماد اجتماعی در ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
۱۵. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.
۱۶. معافی مدنی، سید رحمت‌الله. (۱۳۹۰). *سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۹*. تهران: استانداری تهران. معاونت برنامه‌ریزی. دفتر آمار و اطلاعات.
۱۷. نوابخش، مهرداد؛ هاشمی‌نژاد، فاطمه؛ زادشم پور، وحید. (۱۳۸۹). «بررسی آثار اینترنت و موبایل در تغییر هویت جوانان ۱۵-۲۹ سال استان مازندران». *فصل‌نامه تخصصی جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*. سال اول. پیش شماره اول. صص ۱۷۰-۱۴۵.



۱۸. وثوقی، منصور؛ حیدری، سعیده. (۱۳۹۰). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر ایلام و عوامل مؤثر بر آن». فصل‌نامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. سال دوم. شماره سوم. صص ۱۶۰-۱۸۰.
۱۹. هزار جریبی، جعفر؛ مروتی، نادر. (۱۳۹۰). «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی». فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۷. صص ۶۶-۲۷.
20. Baron, R. And Byrne, D. (1997). *Social Psycholog*. New Delhi: prentice-hall of India.
21. Drury, Kate-Mills. (2009). "Gender Identity and Weil-Being in Early Adolescence: Exploring the Roles of the Peer Group and the Gender Composition of the School Context" *Presented in Partial Fulfillment of the Requirements For the Degree of Master of Arts (Psychology) at Concordia University Montreal. Quebec. Canada* .
22. Graczyk, Julia. (2002). "Social capital and social well-being". *Journal of Commonwealth Australian*. Produced by the Australian Bureau of Statistics. August .pp. 1-22
23. Newton, k. (2004). "Social Trust: Individual and Cross- national Approach". *Portuguese Journal of Social Science*. vol. 3. no. 1. PP. 15-35.
24. Randel, Amy E; Jaussi, Kimberly S. (2008). "Gender Social and Personal Identity, Sex Dissimilarity, Relationship Conflict, and Asymmetrical Effects". *Small Group Research* Volume 39. Number 4. August. pp 468-491
25. Rothstein, B. and Uslaner, E. M. (1999). "All for All: Equality and Social Trust". *Working Paper*. Center for European Studies. No. 117. Pp.1-39.
26. Tajfel, Henry. (1978). *Differentiation Between Social Groups: Studies in the Social Psychology of Intergroup Relations*. London: Academic Press.
27. Turner, B. (2003). "Social Capital in equality And Health: the Durkheim and rival". *Social theory and health*. Vol. 1. No. 1. Pp:1-20.
28. Tyler, Tom R. (1997). "Why Do People Rely Upon Others?: Social Identity and the Social Aspects of Trust". *Paper presented at the Russell-Sage Workshop on Trust* (New York, NY).